



نهادهای انقلابی به‌عنوان سنگر مستحکم دفاع و پاسداری از ارزش‌های انقلابی و به‌مثابه مانعی در مقابل نفوذ و توطئه دشمن عمل می‌کنند؛ از این‌رو، دشمن برای عملیاتی کردن نقشه‌های خود نیازمند آن است که نهادهای انقلابی را تضعیف کرده و در حاشیه قرار دهد.
مهم‌ترین نهاد انقلابی که در انتخابات مورد حمله دشمن قرار می‌گیرد، شورای نگهبان است.
روش دشمن در این زمینه نیز زیرسؤال بردن عملکرد شورای نگهبان با دادن نسبت‌های ناروا، تهمت، دروغ و افترا و نسبت عملکرد جناحی به شورای نگهبان است.

حجت‌الاسلام والمسلمین علی سعیدی شاهرودی، در گفت‌وگو با خبرگزاری حوزه در تهران، با اشاره به انتخابات اسفندماه ۱۴۰۲ و پیامدهای عدم‌مشارکت در انتخابات اظهار کرد: به‌طور اخص و اعم، درباره تبعات مشارکت ضعیف یا عدم مشارکت همگانی مردم در انتخابات می‌توان به چند مورد اشاره کرد.

#### • امکان شکل‌گیری ناامنی در کشور از پیامدهای عدم مشارکت در انتخابات

در انتخابات آحاد مردم و اصطلاحاً «بدنه اجتماعی» با مرکزیت نظام به‌خوبی پیوند برقرار می‌کند. مجاری ارتباطی مردم و مسئولان تسهیل شده و از ایجاد فاصله و شکاف میان آنها جلوگیری می‌شود. این موضوع علاوه بر اینکه در ایجاد حس برابری و رضایت در مردم تأثیرگذار است، سبب می‌شود که آنها حکومت را از خود بدانند و آماده فداکاری و جان‌فشانی برای آن باشند. در واقع، از این طریق، حیات و موجودیت نظام سیاسی با حیات و موجودیت مردم مرتبط می‌شود و از این رهگذر، امنیتی پایدار و خلل‌ناپذیر شکل می‌گیرد.

به‌تعبیر دیگر، امنیت در یک جامعه تنها زمانی به اتقان و پایداری می‌رسد که مبتنی بر حضور مردم در صحنه باشد؛ یعنی امنیت با مشارکت مردم تأمین شده باشد. در توضیح باید گفت که تحکیم نقش و جایگاه مردم در حوزه سیاست، از دستاوردهای برگزاری انتخابات است. همین موضوع، زمینه ارتباط مستمر و مؤثر مردم و مسئولان و همچنین مشارکت گسترده در امور مملکت را فراهم کرده است که این امر، خود باعث شکل‌گیری نوع خاصی از امنیت به‌نام «امنیت مردم‌پایه» شده است.

به‌عبارتی، تکیه و تأکید نظام اسلامی به حضور مردم در صحنه و مشارکت آنان در زمینه‌های مختلف که این خود، برخاسته از ماهیت نظام مردم‌سالاری دینی است، از همان ابتدای پیروزی انقلاب، نقطه قوت انقلاب اسلامی و ضامن تأمین امنیت آن بوده است. ایجاد چنین سازوکاری برای ایجاد امنیت، خود بخود توطئه‌های امنیتی مختلف را در نطفه خفه می‌کند؛ زیرا توطئه‌های امنیتی تنها در شرایطی امکان شکل‌گیری و وقوع دارند که میان مردم و نظام حاکم، فاصله و شکاف وجود داشته باشد.

#### • تضعیف گزینه‌های روی میز نظام در حوزه روابط خارجی از پیامدهای عدم مشارکت در انتخابات

حاکمیت خارجی را متأثر از حاکمیت داخلی دانسته‌اند؛ یعنی این‌که به‌طور کلی، وضعیت یک کشور در حوزه روابط خارجی، وابسته به وضعیت داخلی آن است. براین اساس، وقتی مردم با شرکت در انتخابات، از نظام اعلام حمایت و پشتیبانی می‌کنند، درواقع اقتدار حاکمیت داخلی را به نمایش می‌گذارند. این موضوع، به‌طور طبیعی بر وضعیت روابط خارجی کشور در حوزه‌های مختلف تأثیر مثبت می‌گارد.

شاهد مثال در این زمینه، تأثیر آشوب‌های سال گذشته بر وضعیت مذاکرات احیای برجام است؛ بدین ترتیب که با شکل‌گیری این آشوب‌ها، آمریکایی‌ها نسبت به ادامه مذاکرات برای احیای برجام، ابراز عدم تمایل کردند؛ اما بعد از آن‌که مردم ایران در راهپیمایی ۲۲ بهمن ۱۴۰۱ حماسه‌سازی

#### • احیای برجام، به ایران پیام دادند.

مشارکت همگانی در شرایط جنگ ترکیبی دشمنان، به‌معنای بن‌بست تمامی اهداف و راهبردهای این جنگ است و در نقطه مقابل، عدم‌شکل‌گیری مشارکت همگانی در انتخابات، می‌تواند به‌معنای امیدواری دشمن برای تحقق اهداف این جنگ باشد. بر این اساس، اگر مشارکت همگانی درانتخابات شکل نگیرد، می‌توان پیش‌بینی کرد که جنگ ترکیبی دشمن با شدت بیشتری علیه دولت و ملت ایران ادامه یابد.

#### • لاینحل باقی ماندن مشکلات کشور از پیامدهای عدم مشارکت در انتخابات

حجت‌الاسلام والمسلمین سعیدی شاهرودی گفت: علاوه بر نکاتی که گفته شد، که همگی بر لاینحل باقی ماندن مشکلات کشور در صورت عدم مشارکت همگانی در انتخابات اثرگذار هستند، از نقطه‌نظر دیگری نیز، این موضوع باعث می‌شود که مشکلات کشور همچنان حل نشود؛ بدین ترتیب که در صورت عدم تحقق مشارکت همگانی به‌ویژه از سوی نیروهای انقلابی، اولاً گزینه‌های اصلاح رای نمی‌آورند که این گزینه‌ها می‌توانند، کارآمد باشند و ثانیاً گزینه یا گزینه‌هایی که با مشارکت حداقلی روی کار آمده باشند، چون از پشتوانه مردمی کمتری برخوردارند، بسط ید لازم برای انجام اقدامات مهم و بنیادین را نخواهند داشت. بنابراین، هم انتخاب آگاهانه و تشکیل مجلس با حضور نمایندگان شایسته و هم میزان رأی و پشتیبانی عمومی مردم از نمایندگان می‌تواند، به حل مشکلات کشور کمک کند.

##### • راهبردهای نظام در انتخابات

منظور از راهبردهای نظام در اینجا، همانا اهداف و جهت‌گیری‌های اساسی نظام است که در انتخابات درصدد رعایت و تحقق آنهاست. این راهبردها جنبه عام دارند؛ یعنی در هر انتخاباتی راهنما و جهت‌دهنده اصلی به برنامه‌ها، سیاست‌ها و اهداف نظام هستند. مهم‌ترین این راهبردها عبارت‌اند از: امنیت، سلامت، رقابت و مشارکت.

##### • امنیت، نخستین راهبرد نظام در انتخابات

اولین و پایه‌ای‌ترین راهبرد نظام در انتخابات، امنیت است؛ زیرا بدون وجود امنیت، امکان برگزاری انتخابات و برخورداری از ثمرات آن وجود ندارد. براین اساس، انتخابات باید در کمال امنیت و آرامش در کشور برگزار شود. امنیت هم موضوعی همگانی است؛ یعنی باید از سوی همه عوامل و دست‌اندرکاران انتخابات مورد توجه باشد و هم، در همه ابعاد و مراحل انتخابات باید ساری و جاری باشد؛ یعنی حتی بعد از برگزاری انتخابات نیز، باید این مهم مورد توجه قرار گیرد تا با کوچک‌ترین خدشه‌ای مواجه نشود. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «در خیلی جاهای دنیا، روز انتخابات، مردم به جان هم می‌افتند؛ دعو می‌کنند؛



خون‌ریزی می‌شود؛ آدم‌کشی می‌شود. افتخار ما این بوده است که در امنیت و آرامش کامل، دو نفر رفیق پای صندوق رأی می‌روند و ...»

##### • سلامت انتخابات دومین راهبرد نظام در انتخابات

رعایت سلامت انتخابات در همه مراحل و پرهیز از هرگونه اقدام غیرقانونی، شائبه‌برانگیز و تخلف راهبرد دیگر نظام در انتخابات است. در واقع، نظام اسلامی حساسیت دارد تا انتخابات را براساس مز قانون و به‌دور از هرگونه اقدام غیرمعتاد، در فرایندی شفاف و قانونی برگزار کند. در این زمینه، مقام معظم رهبری می‌فرماید: «من قبلاً هم عرض کرده‌ام، الان هم تأکید می‌کنم، خوشبختانه در طول این سال‌های متتمادی، همیشه انتخابات‌های ما انتخابات‌های سالمی بوده است.»

بنابراین، در زمینه سلامت انتخابات، اولاً تأکید بر رعایت مز قانون و پرهیز از تخلف در همه مراحل انتخابات به‌ویژه جانبداری مجریان انتخابات از نامردی خاص است و ثانیاً برامانت‌داری از رأی مردم و جلوگیری از هرگونه دست‌کاری در آن تأکید می‌شود.

رقابت سالم در انتخابات سومین راهبرد نظام در انتخابات وی افزود: راهبرد دیگر نظام در انتخابات، رقابت سالم است؛ یعنی رقابتی که در آن حدود اخلاق اسلامی، خطوط قرمز اعتقادی و سیاسی، لزوم حفظ و ارتقای قدرت و اقتدار ملی لحاظ می‌شود و در عین حال، نظارت شورای نگهبان و صلاحیت اجرایی وزارت کشور از سوی نامزدها و طرفداران، آنها مورد پذیرش قرار می‌گیرد. درواقع، رقابت انتخاباتی در نظام اسلامی نمی‌تواند سبب ترویج بداخلاقی، عبور از خطوط قرمز، دشمن‌شادکن و مواردی از این قبیل باشد. در این زمینه، مقام معظم رهبری می‌فرماید: «مسئله دیگر هم، موضوعی همگانی است؛ یعنی باید از سوی همه عوامل و دست‌اندرکاران انتخابات مورد توجه باشد و هم، در همه ابعاد و مراحل انتخابات باید ساری و جاری باشد؛ یعنی حتی بعد از برگزاری انتخابات نیز، باید این مهم مورد توجه قرار گیرد تا با کوچک‌ترین خدشه‌ای مواجه نشود. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «در خیلی جاهای دنیا، روز انتخابات، مردم به جان هم می‌افتند؛ دعو می‌کنند؛

ثانیاً بی‌توجهی به موازین رقابت سالم انتخاباتی، سبب هزینه‌تراشی و ایجاد خسارت برای مردم و نظام می‌شود که این موضوع، طیف گسترده‌ای از خسارت‌هایی چون رواج تهمت، افترا، کذب و دادن نسبت‌های ناروا به همدیگر تا درگیری فیزیکی و بی‌ثباتی سیاسی و انتخاب غیراصح را می‌تواند دربر داشته باشد.

##### • مهم‌ترین بایسته‌های رقابت سالم

علاوه بر این، بسیار روشن و واضح است که در همه نظام‌های سیاسی مردم‌سالار، میدان انتخابات و فضای رقابتی ناشی از آن، گاه به پاره‌ای از شکاف‌ها و تعارض‌ها در حوزه روابط اجتماعی دامن می‌زند که عدم مهار آگاهانه و مدبرانه آن، گاه شیرینی برگزاری انتخابات را به تلخی چنددستگی‌ها و کشمکش‌ها و نزاع‌های سیاسی اجتماعی و گاه حتی درگیری‌های فیزیکی هواداران تبدیل می‌کند. رعایت موازین رقابت سالم، از این نظر نیز ضروری است. به‌طور کلی، براساس رهنمودهای مقام معظم رهبری، مهم‌ترین بایسته‌های رقابت سالم در ارتباط با انتخابات رادر چند محور کلی می‌توان شرح داد:

- زیرسؤال نبردن و کمزنگ نکردن ارزش‌ها و مصالح انقلاب و نظام؛
- پرهیز از تخریب نامزدها و زیر سؤال بردن شخصیت آنها (چه از سوی مردم و چه از سوی دیگر نامزدها)؛
- حفظ اتحاد و پرهیز از هرگونه خدشه به وحدت ملی؛
- رقابت منصفانه و عدم خروج از جاده انصاف؛
- پرهیز جدی از ایراد خدشه و شبهه به سلامت انتخابات؛

- توصیه به گرم و سالم نگه داشتن فضای انتخابات؛
- خودداری از ارائه آمارهای سست (از سوی نامزدها به مردم)؛
- عدم تخریب اذهان عمومی و صداقت نامزدها با مردم (اثبات و نفی با توجه به حق و صدق باشد.)؛
- جلوگیری از اسراف و ریخت‌وپاش در عرصه تبلیغاتی انتخابات؛
- عدم تعرض طرفداران نامزدها به یکدیگر و رفع کدورت‌ها و دل‌تنگی‌ها بلافاصله پس از پایان انتخابات و عدم استمرار آن؛

- خودداری نامزدها از دعوها و اختلافات سیاسی و لفاظی‌های بیهوده؛
- پرهیز نیروهای دولتی از دخالت در مسائل انتخابات؛
- خودداری احزاب از مانور بر موضوع برنده و بازنده و اختلافات دشمن شاد کن.

#### • مشارکت حداکثری در انتخابات چهارمین راهبرد نظام در انتخابات

مشارکت عمومی گسترده و حداکثری راهبرد دیگر نظام در انتخابات است. درواقع، اگرچه اصل حضور مردمی مهم و اساسی است؛ اما این اصل باید به صفت «حداکثری» نیز مزین گردد. به‌عبارتی، زمانی می‌توان از نتایج و ثمرات انتخابات بهره برد یا اینکه انتخابات را عاملی برای افزایش اقتدار و تقویت وجهه بین‌المللی نظام دانست که با حضور حداکثری و با شور و اشتیاق آحاد مردم توأمان گردد. برخلاف سایر نظام‌هایی که در آنها انتخابات برگزار می‌شود و میزان مشارکت مردمی برای آنها چندان مهم نیست، حضور حداکثری مردم در انتخابات برای جمهوری اسلامی اهمیت اساسی دارد. همین امر حکایت از نقش تعیین‌کننده مردم و جایگاه والای آنها در نزد مسئولان و تصمیم‌گیرندگان نظام دارد. به‌عبارتی، اصرار و تأکید بر حضور حداکثری مردم در انتخابات، نشان می‌دهد که نقش آنها واقعی است و حالت صوری و تزئینی ندارد؛ زیرا اگر نقش آنها واقعی نبود، به این میزان اهمیت و تأکید بر حضور آنها در انتخابات ضروری به نظر نمی‌رسید.

مقام معظم رهبری در این ارتباط، ضمن تأکید بر مشارکت حداکثری در انتخابات به معنای حقیقی کلمه، تأکید دارند: «هرچه انتخابات پرشورتر باشد، عظمت ملت ایران بیشتر در چشم مخالفان و دشمنان دیده خواهد شد؛ برای ملت ایران حرمت بیشتری خواهند گذاشت؛ دوستان شما هم در دنیا خوشحال می‌شوند.»

##### • راهبردهای دشمن در انتخابات

راهبردهای دشمن در انتخابات درست در نقطه مقابل هدف‌گذاری و راهبردهای نظام در انتخابات است. براین اساس، مهم‌ترین راهبردهای دشمن در انتخابات به چند بخش است:

##### (الف) تلاش در جهت عدم برگزاری انتخابات

انتخابات عاملی برای خنثی‌سازی بخشی از تبلیغات و توطئه‌های جبهه دشمنان علیه نظام اسلامی است. به‌عبارت دیگر، برگزاری انتخابات در ایران که نشان از توسعه روند‌های مردم‌سالارانه با محتوایی غیرغربی در ایران داشته و سبب ترویج و تثبیت مردم‌سالاری دینی در ایران می‌شود، رقیبی جدی برای لیبرال‌دموکراسی غرب محسوب

می‌شود، و خنثی‌کننده بخشی از تبلیغات ایران‌هراسانه

است، به هیچ‌وجه مایه خشنودی و رضایت دشمنان نظام اسلامی نیست؛ از این‌رو در درجه اول آنها می‌کوشند تا اساساً انتخاباتی در ایران برگزار نشود؛ اما به‌فضل الهی و با هدایت‌های حکیمانه رهبر معظم انقلاب و حضور قاطعانه مردم در صحنه، کارنامه جمهوری اسلامی، در زمینه برگزاری انتخابات به‌موقع، سالم، شفاف، رقابتی و قانونی درخشان است و مانند گذشته نیز، این راهبرد دشمن از پیش شکست‌خورده محسوب می‌شود.

##### (ب) مخدوش‌سازی مشارکت حداکثری و برگزاری بی‌رق‌انتخابات با مشارکت حداقلی

با وجود شکست همیشگی راهبرد اول دشمن، آنها هیچ‌گاه دست از اقدامات تخریبی خود علیه نظام برنداشته و راهبردهای دیگری را پی می‌جویند. درواقع، با شکست قطعی راهبرد اول، دشمن در گام بعدی تلاش می‌کند تا انتخابات با مشارکت حداقلی برگزار شود. دشمن در این زمینه تلاش می‌کند تا انگیزه‌های مردم برای حضور در انتخابات را از بین برده و آنها را نسبت به شرکت در انتخابات بی‌میل و بی‌تفاوت سازد. ایجاد شائبه در زمینه مهندسی شده و فرمایشی و تاکارآمد بودن انتخابات و همچنین تلاش برای برگزاری انتخابات در فضای امنیتی و هولناک را می‌توان در این زمینه ارزیابی کرد.

##### (ج) دوقطبی‌سازی‌مخرب

یک راهبرد مهم دشمن، ترویج دوگانه‌های کاذب، با هدف ایجاد دوقطبی‌های مخرب در کشور است. هدف اساسی دشمن در اینجا نیز، آسیب رساندن به وحدت و انسجام داخلی کشور است؛ بدین‌نحو که با ترویج دوگانه‌های کاذب مانند امنیت – معیشت، عقلایت و انقلابی‌گری، انقلابی‌گری و معیشت و... صفوف مستحکم جبهه نیروهای خودی و داخلی را که بایستی در مقابل دشمن قد‌رزمندانه ظاهر شود، هدف قرار داده و سبب از هم‌گسیختگی درونی شود. می‌توان گفت از آنجا که در فضای دوقطبی، تحلیل‌ها هیچجانی است، معمولاً تصمیمات منطبق بر واقعیت‌سنجی نیست، الزامات عمل سیاسی هوشمند به حاشیه می‌رود، فضا برای تهمت و تخریب فراهم می‌شود، منافع ملی فدای منافع جریانی و گروهی می‌شود، عقلایت متعالی رخت برمی‌بندد و نوعی فضای غیرعقلانی شکل می‌گیرد، به‌نوعی بایسته‌ها و اخلاق انتخاباتی و حتی فراتر از آن، موردهدف تیرهای زهرآکین دشمن قرار می‌گیرد.

##### (د) حمایت و تبلیغ جریان غربگرا

راهبرد دیگر دشمن در انتخابات، هدف قراردادن انتخاب اصلح؛ یعنی انتخابی براساس ارزش‌های نظام و در جهت حل و رفع مشکلات مردم است. بر این اساس، دشمن در پی آن است تا با حمایت از جریان غربگرا در ایران، جریان انقلابی و استکبارستیز را در حاشیه قرار دهد. به تعبیر دیگر، دشمن درصدد است که نتیجه انتخابات در ایران به‌گونه‌ای رقم بخورد و نخبگانی روی کار بیایند که عملاً ایران اسامی را در زیرمجموعه نظام ظالمانه بین‌المللی که مبتنی بر هژمونی آمریکا و تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر است، ببینند و تعریف کنند.

##### (ه) انزوای جریان انقلابی و استکبارستیز

روی دیگر سکه مخدوش‌سازی انتخاب اصلح توسط دشمن، منزوی ساختن و فراهم کردن زمینه برای عدم‌اقبال به جریان انقلابی و استکبارستیز است. درواقع، اگر دشمن می‌خواهد، نتیجه انتخابات به‌نفع جریان غربگرا در کشور رقم بخورد، لازم و مقدمه آن، انزوای جریان انقلابی است. بمباران روانی دشمن علیه نخبگان انقلابی و درون‌گرا که در هر انتخاباتی هم تکرار می‌شود، برای تحقق این سیاست است.

##### (و) حمله به نهادهای انقلابی

نهادهای انقلابی به‌عنوان سنگر مستحکم دفاع و پاسداری از ارزش‌های انقلابی و به‌مثابه مانعی در مقابل نفوذ و توطئه دشمن عمل می‌کنند؛ از این‌رو، دشمن برای عملیاتی کردن نقشه‌های خود نیازمند آن است که نهادهای انقلابی را تضعیف کرده و در حاشیه قرار دهد. مهم‌ترین نهاد انقلابی که در انتخابات مورد حمله دشمن قرار می‌گیرد، شورای نگهبان است. روش دشمن در این زمینه نیز زیرسؤال بردن عملکرد شورای نگهبان با دادن نسبت‌های ناروا، تهمت، دروغ و افترا و نسبت عملکرد جناحی به شورای نگهبان است. دشمن با ایجاد شائبه دخالت در انتخابات، درصدد است تا آنها را از نقش‌آفرینی انقلابی و قانونی در انتخابات بازدارد. صداسیما نیز، نهاد دیگری است که طبیعتاً مورد هجوم دشمن است. دشمن با ایجاد شائبه بی‌طرف عمل نکردن صداسیما نیز در پی آن است تا این نهاد را از نقش آگاهی‌بخشی خود بازدارد. می‌توان گفت که راهبرد دشمن در قبال نهادهای انقلابی، «اسارت مسلح» است؛ بدین معنا که در عین حضور و وجود این نهادها، آنها نتوانند، وظایف و رسالت‌های انقلابی خویش را در انتخابات انجام دهند.

روند، بدون هیچ اجبار و اکراهی و با نقش تعیین‌کننده مردم صورت گرفته است؛ چون به هر حال مردم به اختیار خود، خبرگان رهبری را برمی‌گزینند و خبرگان نیز، با توجه به تخصصی که دارند، بدون هیچ جبر و اکراهی، مطابق ضوابطی خاص، ولی فقیه واجد شرایط را شناسایی و معرفی می‌کنند؛ بنابراین آنچه که برخی از مخالفان سعی دارند، نظریه نصب را به مفهوم بی‌اثر بودن نقش مردم معرفی کنند، تلاشی عبث و بیهوده است؛ البته می‌توان برای انتخاب، مفهوم دیگری نیز تصور کرد و آن اینکه بگوییم، مردم حق دارند، بدون توجه به ضوابط قانونی و شرعی، هرکس را که مایل بودند، انتخاب کنند؛ لکن این مفهوم برای کسانی که به نظام «جمهوری اسلامی» رأی داده و اصل ضرورت اسلامیت نظام و حاکمیت احکام شرعی را پذیرفته‌اند، جایگاهی ندارد؛ زیرا چنین مردمی خود معتقدند که باید به انتخابی تن دهند که در چارچوب شرایط و ویژگی‌هایی باشد که شارع مقدس، وجود آن شرایط را در حاکم یک جامعه اسلامی ضروری دانسته است. پس نکته اساسی در این زمینه این است که انتخاب مردم در جامعه اسلامی، در قلمروی ربوبیت تشریعی الهی صورت می‌گیرد؛ نه ربوبیت تکوینی؛ «یعنی نقش آنان در حاکمیت بخشیدن و فعلیت دادن به ولی فقیه و نظام اسلامی کاملاً مشخص و تعیین‌کننده است؛ چراکه اگر آنان نخواهند، عملاً حکومتی تشکیل نمی‌گردد و فقیهی حاکم نمی‌شود. پس مردم با اختیار خود، به خبرگانی رأی می‌دهند که وظیفه آنان، شناسایی و معرفی ولی فقیه جامع‌الشرایط است؛

ادامه در صفحه بعد...

## انتخابات خبرگان و نقش مردم در تعیین رهبری

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد ملک‌زاده، عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

مربوط به ولایت فقیه نیست که این امر، به خودی خود مجال گسترده‌تری می‌طلبد؛ لکن با توجه به شرایط حساس این دوران به یکی از شبهات مطرح‌شده در خصوص نقش خبرگان و انتخاب رهبری پرداخته و اختصاراً مطالبی پیرامون آن یادآور می‌شود.

در ابتدا باید متذکر شویم، مهم‌ترین نقش و کارویژه انتخابات خبرگان رهبری، وارد شدن به پروسه‌ای است که تحقق و استقرار حاکمیت نظام مبتنی بر ولایت فقیه به آن وابسته است؛ اما آنچه در این مقوله باید بیشتر به آن بپردازیم، تبیین نقش و مفهوم دو اصطلاح «نصب» و «انتخابات» در این پروسه است. مردم با شرکت در انتخابات خبرگان، متخصصانی راگزینش می‌کنند که وظیفه آنان، شناسایی و معرفی ولی فقیه جامع‌الشرایط می‌باشد. حال اگر «انتخاب» را به مفهوم کلی برگزیدن اختیاری و به‌دور از اجبار و اکراه یکی از گزینه‌های خارجی بدانیم، باید اذعان کنیم که فعلیت یافتن حاکمیت ولی فقیه در این

انتخابات خبرگان رهبری به‌لحاظ وظیفه خطیر و حساس مجلس خبرگان در شناسایی و معرفی ولی فقیه حاکم و نظارت بر بقای شرایط وی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون ولایت فقیه به‌عنوان ستون و رکن اصلی نظام جمهوری اسلامی و استمرار جوهره دینی آن، همواره مورد حمله سنگین دشمنان اسلام و انقلاب بوده است. حجم گسترده تبلیغات منفی دشمنان و شبهه‌پراکنی مخالفان این نظام علیه ولایت فقیه، حاکی از جایگاه رفیع آن در نظام و ترس دشمنان از قدرت تأثیرگذار آن در شکست توطئه‌ها و اهداف شوم بیگانگان علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی است. اشکال و اعتراض به نظریه نصب ولی فقیه توسط معصوم و ایجاد تردید در نقش مردم در قالب این عنوان که «مردم در نظام جمهوری اسلامی نقش تأثیرگذار ندارند»، این روزها به تبلیغات عادی و تکراری دشمنان علیه نظام تبدیل شده است. نگارنده در این مجال در صدد بازخوانی پرونده شبهات